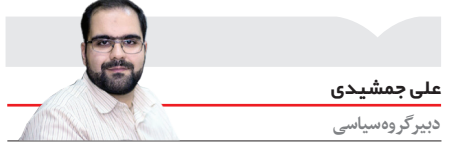


چرا نباید تهدید اروپا را جدی گرفت؟

تعلیق تا اکتبر، هم مکانیسم ماشه اروپا و هم اقتصاد ایران



علی جمشیدی

دبیر گروه سیاسی

«غنی‌سازی در فوردو به‌منزله تسریع روند تاسف‌آور فاصله‌گرفتن ایران از تعهداتش ذیل برجام است. از ایران می‌خواهیم تمامی اقدامات ناسازگار با برجام ام‌ام از میزان ذخایر اورانیوم، محدوده مجاز غنی‌سازی و فعالیت‌های مربوط به تحقیق و توسعه را به عقب برگرداند.» اینها عبارات بی‌انتهای است که شامگاه دوشنبه، سه کشور اروپایی یعنی آلمان، انگلیس و فرانسه علیه ایران و در واکنش به آغاز گام چهارم کاهش تعهدات تهران در برجام صادر کردند. این عبارات البته مهم‌ترین بخش این بیانه نبود، چرا که در میانه متن اروپایی‌ها یک‌بار دیگر تهدید قبلی مبنی بر واکنش به اقدام ایران در خصوص کاهش تعهداتش را مطرح کردند و این بار قدری متفاوت‌تر از گذشته استفاده از مکانیسم خاص مندرج در برجام را متذکر شدند، همان مکانیسمی که کارشناسان و منتقدان توافق هسته‌ای بارها از آن یاد کرده و متذکر شده بودند که این بند از نقاط ضعف اساسی توافق هسته‌ای است.

در بیانه تروئیکای اروپایی از ایران خواسته شده «طبق تعهداتش در برجام کاملاً با اژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌ویژه در چارچوب توافق جامع پادمانی و پروتکل الحاقی همکاری کند»، در غیر این صورت اعضای اروپایی برجام آماده‌اند از تمامی مکانیسم‌های موجود در برجام از جمله «مکانیسم حل‌وفصل اختلافات» برای حل‌وفصل مسائل مربوط به اجرای تعهدات برجرامی از سوی ایران استفاده کنند. این عبارت توضیح‌دهنده همان مکانیسم مشهوری است که در برجام علیه ایران گذاشته شده و در میان فعالان و کارشناسان سیاسی و رسانه‌ای به مکانیسم ماشه Snap یا back معروف شده است.

مکانیسم ماشه چیست؟

بند سی‌وهفتم توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای گروه ۵+۱ سابق و ۴+۱ کنونی، به‌طرف‌های مقابل ایران این اجازه را می‌دهد که با اتکا به یک ادعا درباره نقض تعهد از جانب ایران به‌گونه‌ای اقدام کنند که بدون تصویب قانون خاص یا توافق دیگری با حتی اجماع، به‌طور خودکار قطعنامه ۲۲۳۱ فروریخته و تمامی تحریم‌های پیشین علیه ایران ذیل ۶ قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل احیا شود.

در این فرآیند اگر هر یک از اعضا به این نتیجه برسند که ایران به تعهداتش عمل نکرده یا توافق را نقض کرده است می‌توانند وارد مکانیسم بررسی اختلافات شوند، به‌سرعت و تنها طرف ۶۵ روز این مساله را به شورای امنیت سازمان ملل بیاورند و در آنجا بدون اینکه کشوری حق وتو داشته باشد، قطعنامه ۲۲۳۱ را ابطال و ۶ قطعنامه قبلی را احیا کنند.

در این میان اما نکته‌های اختلافی میان مسئولان دستگاه سیاست خارجی کشور و کارشناسان و منتقدان وجود دارد که حتی بیانه اخیر اتحادیه اروپا نیز موید این است که آنها می‌توانند از این مکانیسم علیه ایران استفاده کنند در حالی که دیپلمات‌های ما

معتقدند این امکان از این کشورها گرفته شده است.

«خطاب به همتایانم در اتحادیه اروپایی و سه کشور آلمان، فرانسه و انگلستان:

۱- «به تعهدات خود ذیل برجام کاملاً پایبند بوده‌ایم.» شما؟! واقعاً؟! فقط یک تعهد را نشان دهید که در ۱۸ ماه گذشته به آن عمل کرده‌اید.

۲- وقتی شما مشغول دفع الوقت بودید، ایران مکانیسم‌رفع اختلاف را به جریان انداخت و آن را به‌انجام رساند. ما اکنون در حال استفاده از اقدامات جبرانی مندرج در پاراگراف ۳۶ برجام هستیم. به‌نامه ششم نوامبر ۲۰۱۸ من مراجعه کنید.»

روزنامه ایران به‌عنوان ارگان اطلاع‌رسانی دولت نیز در شماره روز گذشته خود و در توضیح نظر محمدجواد ظریف می‌نویسد: «طبق مکانیسم ماشه که در بندهای ۳۵ و ۳۶ برجام تعریف شده است، در صورتی که هر یک از طرف‌های باقی‌مانده در برجام با داشته باشند که ایران با اقدامات خود توافق را نقض کرده، می‌توانند روندی را آغاز کنند که تنها در مدت ۶۵ روز به شورای امنیت و بازگشت خودکار تحریم‌ها منتهی می‌شود. این گزینه در شرایطی حق شرکای برجرامی ایران را برای تلافی به کم‌کاری ایران در اجرای تعهداتش به رسمیت شناخته که ایران پیش از آن براساس بندهای ۲۶ و ۳۶ توافق این امکان را یافته بود که پس از مواجهه با بدعهدی هر یک از طرف‌ها و گذار از فرآیند دیپلماتیک حل اختلاف، این موضوع فیصله‌نیافته را به‌عنوان مبنایی برای متوقف کردن کلی یا جزئی تعهداتش در چارچوب توافق هسته‌ای قلمداد کند. در همین چارچوب بود که مقام‌های ایرانی در چند ماه اخیر که آغاز آن به سالروز خروج آمریکا از برجام بازمی‌گردد، متوقف کردن بخش‌هایی از تعهدات برجرامی خود را براساس همین راهکار تعریف‌شده در دستورکار قرار دادند و ظرفیت‌های موجود

پیش‌بینی‌شده برای نشان دادن ابتکار عمل و پیگیری یک موضع تهاجمی‌تر فعال کردند.»

مکانیسم ماشه روی شقیقه برجام

کارشناسان اما بر خلاف وزیر امور خارجه نظر دیگری دارند و معتقدند نه تنها اروپایی‌ها براساس مواد حقوقی ذیل برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ و همچنین عرف و قوانین سازمان ملل متحد، حتی آمریکایی‌ها نیز امکان استفاده از مکانیسم ماشه را دارند. برای مثال سید یاسر جبرائیلی، کارشناس مسائل سیاسی با مدنظر قرار دادن بند ۱۱ قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل استدلال می‌کند آمریکایی‌ها می‌توانند برای ادامه اجرای این قطعنامه با وجود اینکه ترامپ از برجام خارج شده، اقدام کند و مانع تداوم آن و رسیدن به وعده‌ای که رئیس‌جمهور درباره رفع تحریم تسلیحاتی داد، بشود. نگاه واقع‌بینانه به ماجرا هم البته خیلی اظهار نظر محمدجواد ظریف را تایید نمی‌کند، چرا که حتی سیدعباس عراقچی نیز تلویحاً امکان استفاده از این مکانیسم را برای اروپا و آمریکا تایید می‌کند. او روز شنبه گذشته در جریان میزگردی در حاشیه کنفرانس عدم اشاعه که در شهر مسکو روسیه برگزار شد در پاسخ به سوالی در این باره گفت: «در خصوص مکانیسم ماشه من فکر می‌کنم کاملاً برای تمام مشارکت‌کنندگان در برجام شفاف ساخته‌ایم که اسنپ‌بک و بازگشت قطعنامه‌های قبلی [شورای امنیت] خط‌قرمز ایران است. اگر یاداش ایران پس از این همه تعامل و مذاکره و همکاری با اژانس ای باشد که دوباره تحت‌فصل هفتم [منشور ملل متحد] قرار گیرد، این به‌معنای آن است که «دکترین هسته‌ای» ما اشتباه بوده و ما باید سیاست و دکترین هسته‌ای خود را مورد بازبینی و بررسی مجدد قرار دهیم.»

به این توضیحات البته باید این نکته را نیز اضافه کرد که همان‌طور



تدوین و اجرای برجام ریچارد فیلیو از طراحان سامانه تحریم‌ها علیه ایران در زمان ریاست جمهوری باراک اوباما که شخصاً در جریان در مذاکرات منتهی به برجام نیز حضور داشت، درباره مکانیسم ماشه توضیح داده بود «گزینه بازگشت سریع تحریم‌ها، امتیازی بود که به آمریکا داده شد تا از طریق شورای امنیت تحریم‌های ایران را بازگرداند و در آن زمان این مجوز بخش ویژه‌ای از طرح جان کری، وزیر امور خارجه وقت آمریکا به‌کنگه بود تا از برجام حمایت شود. حتی شخص دونالد ترامپ نیز از این گزینه (بازگشت سریع تحریم‌ها) رضایت داشت.»

محتمل‌ترین زمان برای استفاده از مکانیسم ماشه چه زمانی است؟

شاید با خود بگویید که با این اوصاف هر لحظه امکان استفاده از مکانیسم ماشه وجود دارد؛ واقعیت این است که این حرف احتمالی است و این امکان برای طرف غربی در برجام وجود دارد، هرچند تفسیر تیم ایرانی چیز دیگری است؛ اما اینکه چه زمانی آنها از این امکان استفاده خواهند کرد مساله دیگری است و محل سوال. در ابتدایی‌ترین حالت باید این را مدنظر داشت که اگر ایران گام‌های جدی و سنگینی در راستای دور شدن از تعهدات خود در برجام برداشته بود یا بنای آن را داشت، شاید در کوتاه‌مدت باید امکان استفاده از مکانیسم ماشه را محتمل می‌دانستیم اما با شرایط کنونی و با یکی دو اتفاقی که اخیراً رخ داده باید این گونه تحلیل کنیم که محتمل‌ترین زمان برای استفاده از این مکانیسم ایام منتهی به اکتبر آینده خواهد بود. علت رادر ادامه توضیح می‌دهیم. یک اینکه بهترین شرایط برای اروپایی‌ها و تا حدودی آمریکا همین شرایط فعلی برجام است، یعنی نه برجام به‌طور کامل اجرا می‌شود و نه به‌طور کامل در حال سقوط و فرو ریختن است. در این شرایط

اروپایی‌ها صرفاً نظاره‌گر هستند و صرفاً ایران و آمریکا هستند که درگیر یک چالش شده و هزینه‌های زیادی را پرداخت می‌کنند. ایران فشار تحریمی را تحمل می‌کند و آمریکا نیز فشار حاصل از خروج از یک توافق بین‌المللی و همچنین تبعات دشمنی با ایران از جمله ساقط شدن یک هواپیمای مدرن جاسوسی که یقیناً هزینه غبرمادی ساقط شدن آن بیشتر از ارزش دلاری و مادی است. علاوه بر این از آنجا که اروپایی‌ها می‌دانند فروریختن برجام می‌تواند ترکش‌هایی را نیز به سمت آنها پرتاب کند، احتمالاً خود داوطلب فروپاشیدن این توافق نخواهند شد و تا زمان مناسب صبر خواهند کرد.

توضیح دیگر اینکه این زمان مناسب حداقل زمانی است که تأثیرات تجمیعی گام‌های ایران آنقدر زیاد شده باشد که قابل توجه و تأمل شود و از طرف دیگر امکان استفاده از آخرین مزیت برجام یعنی رفع تحریم تسلیحاتی در فاصله کوتاهی برای ایران امکان‌پذیر باشد. دوم با توجه به توضیح ابتدایی، باید به کنش سیاسی ایران توجه کنیم و آن را مورد ارزیابی قرار دهیم. ابتدای هفته حسن روحانی در جریان سفر به استان کرمان در جمع مردم رفسنجان یک خطای راهبردی از خود بروز داد و به‌غری‌ها اطمینان داد که بنای خروج از برجام را ندارد، به این معنا که اروپا و آمریکا مطمئن شدند گام‌های ۶۰ روزه ایران آنقدر جدی نخواهد بود که تا اکتبر سال آینده (۲۰۲۰) به‌صورت جدی و بسیار فاحش نقض شود. از این رو

اروپایی‌ها هم مطمئن شده‌اند که می‌توانند به بازی خود با توافق هسته‌ای ادامه دهند، چرا که دولت روحانی حیات سیاسی خود را منوط به تداوم برجام تا یک‌سال آینده کرده است. سوم چندی پیش برایان هوک، رئیس گروه ویژه اقدام علیه ایران در آمریکا در گفت‌وگویی اعلام کرد: «یک سازوکار جدید با بانک‌های سوئیس را ایجاد می‌کنیم تا صدور کالاهای انسان‌دوستانه و پزشکی به ایران را ممکن سازیم.» این خبری بود که به‌نوعی توضیح می‌داد آمریکا بنا ندارد اجازه همکاری مختصری را در زمینه مبادله دارو و غذا با ایران فراهم کند و به‌عبارتی، احتمالاً اینستکس قدری فعال‌تر از گذشته شود. این خبر البته در داخل کشور با واکنشی از جانب سیدعباس عراقچی همراه بود و گفت این سامانه بدون مشمولیت نفت ارزشی نخواهد داشت. شنیده‌ها اما حاکی از آن است که این پیشنهاد احتمالاً از سوی ایران رد نخواهد شد و حتی ممکن است باعث کم‌رنگ‌تر شدن گام‌های ۶۰ روزه بعدی هم شود و این امکان را فراهم کند تا برجام به همین شکل کج‌دار و مرزباز اواسط سال آینده میلادی ادامه یابد.

نکته پایانی اما اینکه در شرایطی که توصیف آن در سطور بالا رفت باید همین شرایط را تا سال آینده متصور بود و بعد از آن انتظار تحولات بزرگ را کشید، چنانکه پیش از این نیز امریعی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا با مدنظر قرار دادن مسیر حرکتی ترامپ و گام‌های ۶۰ روزه ایران به «فرهیختگان» گفته بود: «تا آینده قابل پیش‌بینی، وضعیت به همین شکل ادامه خواهد داشت. تحریم‌ها به‌صورت نمادین تشدید خواهد شد و در عین حال ایران هم قصد دارد به شکل تدریجی تعهدات خود را کاهش دهد.» این شرایط که حداقل با مشی و ایده دولت احتمالاً تعلیق در همه‌چیز به‌ویژه اقتصاد ایران را تداوم خواهد بخشید، باعث می‌شود امید به بهبود منتفی شده و آنچه در ۶ سال گذشته رخ داده، عیناً تکرار شود.

گفت‌وگو

عضو هیات علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

تأثیر اجرای مکانیسم ماشه پیش از تحریم‌های ثانویه نیست

محمد جمشیدی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران با اشاره به خط‌نشان‌های اخیر اروپا مبنی بر به جریان انداختن مکانیسم ماشه در واکنش به گام چهارم کاهش تعهدات هسته‌ای به «فرهیختگان» گفت: «هدف اصلی این تهدید آن است که تحرکات هسته‌ای چندماهه اخیر که جمهوری اسلامی ایران شروع کرده، متوقف شود.» وی افزود: «این موضوع یک معنای اساسی دارد و آن اینکه حرکت ایران برای آنها هزینه‌ساز بوده و از این پتانسیل برخوردار است که بتواند محاسبات آنها را در رابطه با جمهوری اسلامی ایران تغییر دهد؛ محاسباتی که محوریت آن این‌بار بود که فشار بر ایران جواب می‌دهد و هزینه‌ای هم ندارد.»

جمشیدی با بیان اینکه سه گام نخست کاهش تعهدات هسته‌ای اگرچه جهت‌گیری درستی داشت اما گام‌های ضعیفی بود، ادامه داد: «گام چهارم به‌نسبت بقیه موارد اقدام بهتری محسوب می‌شود و در واقع برای آنها حساسیت‌زاست است.»

این کارشناس مسائل سیاست خارجی در واکنش به تهدید اروپا به حرکت به سمت مکانیسم ماشه و بازگرداندن تحریم‌ها تصریح کرد: «حداکثر تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر اعمال شده و بی تفاوتی اروپایی‌ها به سیاست فشار حداکثری آمریکا و کمک نکردن آنها در راستای عادی‌سازی شرایط اقتصادی ایران در مقابل فشارهای آمریکا، حکایت از همراهی آنها با ایالات متحده دارد.»

وی اینستکس را نمونه روشنی از این رویکرد اروپا قلمداد کرد و افزود: «در چنین شرایطی ایران حداکثر تحریم‌ها را تحمل کرده و از نقطه اوج تحریم‌ها نیز که نمودهای آن شوک‌آرزی سال ۹۷ و تحریم نفتی اردیبهشت‌ماه بود عملاً عبور کرده. لذا تهدید به احیای قطعنامه‌ها و بازگرداندن تحریم‌ها چیز بیشتری بر فشارهای اعمال‌شده بر ایران اضافه نمی‌کند.» جمشیدی خاطر نشان کرد: «بازگشت تحریم‌ها به این معنی نیست که فشار اقتصادی جدیدی بر ملت تحمیل می‌شود چون همین‌الان هم پیش از این میزان را تحمل می‌کنیم. به بیان دقیق‌تر، تحریم‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل عمدتاً جنبه‌های فنی -در حوزه هسته‌ای- داشت؛ اما تحریم‌های اقتصادی که عامل اصلی تولید فشار بر جامعه ایران بود تحریم‌های ثانویه آمریکاست.»

این کارشناس روابط بین‌الملل با تأکید بر آنکه باید بین تحریم شورای امنیت و تحریم‌های ثانویه تفکیک قائل شد، ادامه داد: «آنچه برای ملت آزادنده بود و وضعیت اقتصادی کشور را با مشکل مواجه کرد، تحریم‌های ثانویه ایالات متحده بود



ما برای تحریم‌های ثانویه است و از آن موقع تحریم‌های ثانویه را اعمال کردند.» وی درباره اظهارات جدید رئیس‌جمهور در خصوص مذاکره مبنی بر آنکه «هرجا بتوانیم از طریق مذاکره مشکل را حل کنیم یک ثابته صبر نمی‌کنم؛ نیز گفت: «برداشت من آن است که این اظهارات ناظر به همان طرح مکرون است؛ طرحی که به‌نظر می‌رسد یک فریب مجدد اروپایی-آمریکایی ضد ایران است و تلاش دارد در عوض تعلیق بخشی از تحریم‌هایی که ذیل برجام تعلیق شده اما با خروج آمریکا برگشته بود، ایران را پای میز مذاکرات جدید منطقه‌ای، موشکی و تمدید برجام و افزایش محدودیت‌ها بنشانند و تعهدات جدیدی را از آن دریافت کند.»

جمشیدی ادامه داد: «مشکل اصلی این است که آنها فقط از تعلیق مجدد تحریم‌های برجرامی سخن می‌گویند در حالی که به‌جز برجام از زمانی که ترامپ آمده تحریم‌های دیگری نیز نظیر تحریم‌های کاتسا، تحریم علیه سپاه، تحریم نهاد رهبری، تحریم آقای ظریف، تحریم بانک مرکزی و تحریم فلزات و صنایع سنگین، تحریم برخی نهاد‌های اقتصادی و... علیه جمهوری اسلامی اعمال شده است.»

وی تصریح کرد: «براساس متن‌هایی که خود غربی‌ها از طرح پیشنهادی مکرون منتشر کرده‌اند، این تحریم‌ها شامل آن طرح نمی‌شوند؛ موضوعی که به‌نوبه خود گرفتاری بزرگی را برای کشور ایجاد می‌کند و گذشته از آنکه مشکل اقتصادی خاصی را از کشور حل نمی‌کند، دست‌نظام را می‌بندد و ملت را تحت‌فشار قرار می‌دهد.»

داد: تحولی که ایران برای پیشگیری از آن راضی به دادن امتیازاتی جدید شود.» وی در پاسخ به این سوال که مکانیسم ماشه چرا از سوی آمریکا استفاده نشد و این کشور خروج از برجام را به آن ترجیح داد، افزود: «در کل آن زمان که آمریکا از برجام خارج می‌شد گزینه‌های مختلفی را بررسی کرد و اسنپ‌بک یا شیوه‌های دیگر خروج مانند خروج نرم یا خروج کامل و سخت از جمله آنها بود. اما در نهایت خروج کامل از برجام به اجرا درآمد چون آمریکایی‌ها احساس می‌کردند این گونه فشار بیشتری بر ایران اعمال می‌شود و سیاست فشار حداکثری ایالات متحده را بیش از سایر گزینه‌ها محقق می‌سازد.»

جمشیدی یادآور شد: «اگر آمریکا در برجام می‌ماند و صرفاً اسنپ‌بک را عملیاتی می‌کرد این موضوع بار معنایی متفاوتی داشت و اگرچه تحریم‌های بین‌المللی برمی‌گشت ولی تحلیل آنها نیز این بود که این تحریم‌ها به اندازه تحریم‌های ثانویه -که در دوره اوباما بعد از سال ۲۰۱۰ با قانون سیسادا اعمال شد- موثر نیست.»

این استاد دانشگاه ادامه داد: «آخرین تحریم‌های شورای امنیت قطعنامه ۱۹۲۹ بود و تحریم‌های دیگر نظیر ۱۷۳۷، ۱۷۴۰، ۱۸۰۳ و ۱۸۳۵ عمدتاً در حوزه فنی هسته‌ای یا عدم اشاعه و نیز موضوعاتی نظیر برنامه موشکی یا زنجیره تأمین است و چندان به مسائل اقتصادی جامعه مربوط نمی‌شود. به همین خاطر زمانی که آخرین قطعنامه صادر شد، آمریکایی‌ها اعلام کردند این سکوی پرتاب